

# «مehشید»

## خودش را فدای مردم کرد

۳ نفر از همکاران پرستار بارداری که پسرش را ندید و شهیده مدافع سلامت شد از خصوصیات اخلاقی و خاطراتشان از او می گویند

مجید حسین زاده

اروزنامه نگار

پرونده

«مهشید جان، تو بار داری و خیلی ها سال های قبل و در شرایط عادی نه مثل الان که کرونا در کمین همه ماست، مرخصی استعلاجی می گرفتن تا ماه های آخر قبل از به دنیا آمدن بچه شون استراحت کنن و ... اما جواب این پرستار به این درخواست تقریباً ثابت همه همکارانش، فرقی با یکدیگر نمی کرده است. او به همشانش می گفته: «جامعه و مردم کشور الان به من بیش از هر زمان دیگری نیاز دارن و نمی تونم به این اتفاق، بی توجه باشم. الان وضعیت به گونه ای شده که یک پرستار بیشتر هم در بیمارستان باشه، یک پرستاره. اوایل همین هفته بود که مراسم تشییع پیکر مهشید گودرز، شهیده مدافع سلامت که پرستار باردار مرکز پزشکی، آموزشی و درمانی لقمان تهران بود، برگزار شد. این پرستار باردار که بر اثر ابتلا به کرونا دارفانی را وداع گفت، از پرستارانی بود که با حدود ۱۱ سال سابقه در بخش های مهمی از این مرکز درمانی حضور داشت. خانم گودرز هنگام فوت هفت ماهه بار دار بود اما پزشکان موفق شدند نوزاد او را به دنیا بیاورند. تصویر منتشر شده از این نوزاد و ماجرای فوت مادرش در رسانه ها و شبکه های اجتماعی چند روز اخیر بازتاب زیادی داشت. به همین بهانه و در پرونده امروز زندگی سلام به سه نفر از همکاران این پرستار درباره خاطراتشان از این شهیده و خصوصیات اخلاقی و کاری اش گفت و گو کردیم. در این بین از «میتیم جدیدی»، مسئول روابط عمومی این واحد درمانی سیاسی گزاریم که هماهنگی های لازم برای انجام این گفت و گوها را پیگیری کرد.

## لحظه شماری می کرد

### که پسرش به دنیا بیاید

سودابه دبی، پرستار ۳۰ ساله بیمارستان لقمان در ابتدای صحبت هایش درباره شهیده گودرز می گوید: «تقریباً از ابتدای بارداری اش یعنی هفت ماه پیش بود که به قسمتی که من در آن مشغول کار هستم یعنی بخش مراقبت های ویژه جنرال و مسمومین منتقل شد. اصلاً در این مدت اهل مرخصی گرفتن نبود. البته قرار بود ۲ ماه قبل از زایمان به مرخصی بروم که این اتفاق تلخ افتاد.»

پچهاش همچنان در بخش مراقبت های ویژه نوزادان نارس است خانم دبی در باره آخرین وضعیت سلامتی بچه خانم گودرز می گوید: «تا جایی که من شنیدم خبر دارم، پچهاش هنوز در بیمارستان است و ظاهر او وضعیتش بد نیست، تغذیه اش شروع شده و نیاز به اکسیژن هم ندارد.»

آخرین بار گفت که زود برمی گردد سر کار خانم دبی از صدای این پرستار به راحتی درک می شود و او چندین بار به این نکته اشاره می کند که ببخشید چون خیلی ناراحتم، توان صحبت ندارم. او درباره نحوه اطلاعاتش از ابتلا ی خانم گودرز به کرونا می گوید: «من چندین بار با او بعد از ابتلا یش به کرونا تماس گرفتم اما این اواخر تلفنش را جواب نمی داد و بعدش به من پیامک می زد. ظاهراً سرفه زیاد داشته و چون نمی خواسته همکارانش نگران شوند، کمتر تلفنش را جواب می داده است و بعدش پیامک می داد که توکل بر خدا بهترم و ان شاء ... زودتر برمی گردم سر کار. بنابراین من تا چند روز قبل از شهادتش، نمی دانستم که حالش خیلی وخیم است. مهشید جان واقعاً لیاقت شهید شدن را داشت. او به شدت دختری مسئولیت پذیر و وظیفه شناس بود.»

صدافت و مهربانی، بارزترین ویژگی های خانم گودرز



از خانم دبی در باره بارزترین ویژگی های شخصیتی شهیده گودرز می پرسیم که می گوید: «صدافت و مهربانی، شاخص ترین ویژگی های اخلاقی خانم گودرز بود. من در این مدت که با او همکار بودم، حتی یک مورد هم ندیدم و نشنیدم که به دیگران دروغ گفته

باشد یا با بیمار یا همکاری، تند برخورد کرده باشد. مهشید جان به صبوری هم معروف بود، به حدی که بعضی اوقات باعث تعجب بقیه همکاران می شد که این قدر صبرش از کجای می آید! شوخ طبع بود. از هر لحاظ که شما بگویید، نمره او ۲۰ بود.»

آرزوهای زیادی برای پسرش داشت

این پرستار درباره آخرین روزهایی که خانم گودرز سر کار حاضر شده هم می گوید: «این اواخر لحظه شماری می کرد که پسرش به دنیا بیاید. تمام وسایل سیسمونی را خریده بود، اتاق کودک را آچیده و فیلمش گرفته بود و قیلمش را آوردنوی بخش و به ما نشان داد. ذوق و شوق عجیبی داشت و می گفت که آرزوهای زیادی برای پسرمدارم.»



## این روزها مهربانی هایش مدام جلوی چشم هایم می آید

مهناز دهدستی، ۳۷ ساله که سابقه چندین سال آشنایی با شهیده گودرز در محیط بیمارستان را دارد، می گوید: «خانم گودرز تا قبل از بارداری اش به صورت داوطلبانه در بخش کرونا خدمت می کرد اما روزی که تست بارداری اش مثبت شد، موضوع را به دفتر پرستاری اعلام کرد و به بخش مراقبت های ویژه مسمومین منتقل شد.»



عاشق کارش بود، عاشق خانم دهدستی درباره شهیده گودرز می گوید: «او همه شیفت هایش را مرتب و منظم می آمد. امسال برای پرستاران شرایط واقعاً سخت و طاقت فرسا شده است و بعضی ها تحمل این شرایط را ندارند و مدام غلایه می کنند اما او اصلاً این طور نبود. عاشق کارش بود، عاشق آخرین شیفتش را ۶ بهمن آمد، حالش

خیلی خوب بود و هیچ علایمی نداشت. قبل از شیفت بعدی اش بود که باسرپرستار تماس گرفت و گفت من یک مقداری علایم سرماخوردگی دارم و به او گفتند که لازم نیست بیاید و استراحت کند. قرار شد برود دکتر تا تست کرونا بدهد و به او دلداری دادیم که نگران نباشد.»



## همیشه در خط مقدم بیمارستان بود

خیرا... اکبری، ۴۴ ساله، سرپرستار اورژانس بیمارستان لقمان که از سال ۹۳ با شهیده گودرز همکار شده، درباره او می گوید: «ایشان به صورت داوطلبانه تا قبل بارداری در بخش کرونا مشغول خدمت بود. آدم خیلی مسئولیت پذیری بود. همیشه در خط مقدم بود و در سخت ترین قسمت های اورژانس کار می کرد. تنها هدفش نجات جان انسان ها بود و با حساسیت زیاد و با تمام وجود پیگیری مراحل درمان هر بیماری می شد.»



حتی یک بیمار هم از او شکایت نکرد

از اکبری درباره رفتار شهیده گودرز با بیمارانی پرسیم که می گوید: «رفتارش با بیماران بسیار خوب بود و در این سال ها، حتی یک مورد هم نداشتم که بیمار یا همراه بیمار از او شاکی و انتقادی داشته باشد که با آن ها برخورد بدی شده است. برعکس بود که به ما مراجعه می کردند و می گفتند که از ایشان تقدیر کنید و ...»

شب بعد از شهادتش تا صبح خواب مان نبرد

«خونگرمی او بی نظیر بود. هم با همکاران و هم با بیماران و خانواده های آن ها، همه از او ارضی بودند. شهادتش تلخ ترین

## خواستگاری خیابانی

### در پوشش آدمربایی

حمله به یک دختر در وسط خیابان برای دزدیدنش و سپس درخواست ازدواج از او، سبک درستی برای شروع زندگی مشترک است؟

صدیقه معدنی | کارشناس ارشد روان شناسی بالینی



در یک خیابان خلوت، مردی جوان با نقابی که کاملاً صورتش را پوشانده از یک ون سیاه پیاده می شود و به سمت دختر می دود. او را به سمت خودرو می کشد و ناگهان در عقب آن باز می شود و افرادی با بادکنک و گل از خودرو پیاده می شوند، دختر شوکه می شود، پسر نقابش را برمی دارد و حلقه را از جیبش در می آورد و ... اتفاقاتی که خواندید مربوط به یک فیلم هالیوودی نیست بلکه در باره ویدئویی است که به تازگی در شبکه های اجتماعی با عنوان «خواستگاری عجیب» دست به دست می شود. هر چند صحت این ویدئو چندان معلوم نیست اما سوال این است که آیا از منظر روان شناسی، چنین کاری توصیه می شود؟ خواستگاری خیابانی آن هم به این شکل، سبک درستی محسوب می شود یا در دسرساز خواهد شد؟ در مینی پرونده امروز زندگی سلام به این سوال پاسخ خواهیم داد.



در این خواستگاری، شأن دختر حفظ می شود؟

برای پاسخ دادن به این سوال ها، چند پرسش مطرح می کنم که هر جوانی می تواند به آن ها فکر کند تا پاسخی بر ایشان بیاید: خواستگاری سنتی یا غیر رسمی و خیابانی، کدام فرجام بهتری دارد؟ آیا در خواستگاری سنتی جایگاه و شأن دختر حفظ می شود یا در خواستگاری غیر رسمی و خیابانی؟ آن چه در این ویدئو دیده می شود، یک نوع خواستگاری خیابانی به صورت تهاجمی با به هم ریختن امنیت اجتماعی و القای حس ناامنی به طرف مقابل است که احتمالاً اسم آن هم سورپرایز کردن طرف مقابل گذاشته اند یا این هدف چنین برنامه ای را اجرا کرده اند.

گرفتن مهم ترین تصمیم زندگی بعد از شو که شدن شدیدی!

این دختر در زمانی که خواستگارش در لباس مرد آدمربا و راه سمت ون سیاه می کشاند، مدام فریاد می زند و طبیعی هم هست که به شدت ترسیده باشد. اطر افیان، دوستان و خواستگار این دختر با این رفتار، شوکی به دختر خانم وارد می آورند و سپس از وی می خواهند در این حالت شوک، تصمیم نهایی درباره مهم ترین انتخاب زندگی اش را بگیرد. واضح است که این هیجانی بودن موقعیت آن هم از نوع منفی، نتیجه مثبت و مقولای در پی نخواهد داشت.

خواستگاری آدابی دارد

از آن جایی که یکی از اصول مهم در خواستگاری، حفظ حیا و ارج گذاشتن به شخصیت دختر است با خواستگاری های خیابانی این امر مهم نادیده گرفته می شود. دختران عاقل و با فرهنگ هنگام مواجه شدن با تقاضای خواستگار به طور مستقیم احساسی عمل نمی کنند و فرار به خانواده خود را جاع می دهند. در خواستگاری سنتی یا از طریق خانواده ها، بعد از شناخت مختصر دو طرف از یکدیگر در حد ضروری و قبل از درگیر شدن دختر و پسر با عواطف برای گرفتن تصمیم نهایی، بقیه جریان توسط خانواده ها پیگیری می شود و در قالب جلسات خواستگاری پیش می رود. در جلسات، تناسب ظاهری و خانوادگی دو طرف بررسی می شود و خواستگاری با گفت و گو دختر و پسر ادامه پیدا می کند. آن چه مسلم است در این نوع خواستگاری، نه تنها تصمیم عاقلانه تری گرفته خواهد شد که احترام و شأن دختر خانم هم بهتر حفظ می شود. به خاطر داشته باشیم که ازدواج نه تنها پیوند دو فرد بلکه وصلت دو خانواده با هم است بنابراین بدون حضور خانواده هانمی توان انتظار آینده موفقیتی برای یک ازدواج داشت.

چنین خواستگاری هایی در دسرساز است

وقتی یک پسر از دختر آن هم جلوی دوستانش و باتدارک دیدن چنین برنامه ای خواستگاری می کند، باید دو طرف در آن لحظه، حساب همه جای کار را بکنند چون اگر بعداً منصرف شوند یا خانواده ها با این ماجرا مخالفت کنند یا ... قطعاً این مسئله برای شان در دسرساز خواهد شد. آن چه مسلم است بحث شناخت در ازدواج برای پایداری آن لازم و ضروری است اما مسئله بر سر راه های شناخت در ازدواج است. برخی به بهانه های کاری و سهیم شدن در پروژه دانشگاهی یا هم مسیر شدن با فرد مدنظر قصد شناخت طرف را دارند و در این بین درگیری عاطفی هم پیش می آید. رد و بدل کردن شماره تلفن و وارد دنیای چت شدن، ورود به حریم خصوصی یکدیگر و درگیر جاذبه های کاذب شدن، نتیجه چنین ارتباطی می شود که نه تنها شناختی در پی ندارد بلکه تنها تلبستگی و درگیری عاطفی به وجود می آورد. به طور کلی خواستگاری های غیر رسمی زمانی اتفاق می افتد که جوانی از جوان دیگر در پی یک دیدار سطحی و به خاطر دلالتی دهنی، درخواست ازدواج می کند که طبیعتاً توصیه نمی شود.